

## تدوین و ارزیابی برنامه اقدام‌های گروهی برای ارتقای رابطه والد-نوجوان

### Development and examination of group intervention package for promoting parent-adolescent relationship

S.F. Hoseini, M.A. سیده فاطمه حسینی\*  
B.S. Zaker, Ph.D. دکتر باقر ثنایی ذاکر\*\*  
R. Pourhossein, Ph.D. دکتر رضا پورحسین\*\*\*  
A. Keraskian, Ph.D. دکتر آدیس کراسکیان\*\*\*\*

#### چکیده

بخش عمده‌ای از برنامه‌های اقدام گروهی برای مداخله بر روی رابطه والد-نوجوان تحت تأثیر نظریه تفرد قرار دارند. اما نظریه پردازان دلبستگی بر این باورند که به سبب نقش والدین به‌عنوان پناهگاه امن، نیاز به صمیمیت در این دوره بیشتر می‌شود، اما شکل آن تغییر می‌کند. مسأله اصلی پژوهش حاضر تفکیک دوره کودکی از نوجوانی و توجه جدی به دلبستگی در دوره نوجوانی است. از این رو پژوهش حاضر با هدف تدوین و ارزیابی برنامه اقدام

---

\*. کارشناس ارشد روانشناسی سلامت، دانشگاه آزاد کرج

\*\* . استاد دانشگاه آزاد کرج

\*\*\*. دانشیار دانشگاه تهران

\*\*\*\*. استادیار دانشگاه آزاد کرج

گروهی به منظور ارتقای رابطه والد-نوجوان در قالب یک طرح تمام آزمایشی به اجرا درآمد. جامعه آماری شامل والدین نوجوانان منطقه شش شهر تهران بود که از میان آن‌ها یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد و از والدینی که مایل به شرکت در طرح بودند، دعوت به عمل آمد و در نهایت ۱۸ نفر در گروه آزمایش و ۱۷ نفر در گروه کنترل به صورت تصادفی جای گرفتند. ابتدا مقیاس ۲۱ سؤالی رابطه والد-نوجوان (PARS) (حسینی، ثنایی، پورحسین، کراسکیان، ۲۰۱۶) در اختیار هر دو گروه قرار گرفت. سپس گروه آزمایش به مدت ۹ جلسه ۱/۵ ساعته در معرض برنامه اقدام گروهی ارتقای رابطه والد-نوجوان به عنوان متغیر مستقل قرار گرفت و در پایان مجدداً هر دو گروه از لحاظ وضعیت رابطه والد-نوجوان مورد سنجش قرار گرفتند. در نهایت ۲۵ نفر (۱۳ نفر آزمایش و ۱۴ نفر کنترل) وارد تحلیل شدند. اجرای آزمون  $t$  مستقل و وابسته نشان داد که فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «برنامه اقدام‌های گروهی محقق ساخته برای ارتقای رابطه والد-نوجوان» رابطه والد-نوجوان را ارتقا می‌دهد، تأیید گردید ( $p < 0/01$ ). در نتیجه، با توجه به مصاحبه کیفی با والدین و نوجوانان، برنامه اقدام گروهی یاد شده توانست به خوبی رابطه والد-نوجوان را ارتقا دهد.

**کلید-واژه‌ها:** برنامه اقدام گروهی، رابطه والد-نوجوان، طرح آزمایشی

## Abstract

The majority of group action plans for intervention for parent-adolescent relationships are affected by individuation theory. But attachment theorists believe that due to the role of parents as a safe haven, the need for intimacy in this period will increase, but transform. The main issue of the present study is the separation of childhood from adolescence and the serious attention to attachment during adolescence. Therefore, the present study aimed to develop and evaluate a group action plan to promote the relationship between parents and adolescents in the form of an experimental design. The statistical population consisted of the parents of adolescents in region No.6 of Tehran, among which a randomly selected school was selected and parents were asked to participate in the project. Finally, 18 subjects in the experimental group and 17 in the control group randomly fitted. At first, the 21-item Parent-Adolescent Relationship

Scale (PARS) (Husseini, Sanaee, Pourhossein, Karaskian, 2016) was provided to both groups. The experimental group was then subjected to a group action program promoting the relationship between parents and adolescents as independent variable for 9 sessions of 1.5 hours. At the end, both groups were again evaluated in terms of the relationship between the parent and the adolescent. Finally, 25 subjects (13 controls and 14 controls) were entered. Independent and dependent t test showed that the main hypothesis of the research was that "the researcher-made group action plan to improve the parent-teen relationship" promoted the parent-adolescent relationship ( $p < 0.01$ ). As a result, according to a qualitative interview with parents and adolescents, the group action plan was able to perfectly enhance the parent-adolescent relationship.

**Keywords:** Group Intervention Package, Parent-adolescent Relationship, Experiment Design

Contact information: [fhoseini1400@gmail.com](mailto:fhoseini1400@gmail.com)

\*\*\*

## مقدمه

نوجوانی دورانی است که در آن فرد از یکسو تحت تأثیر تغییرات سه‌گانه ناشی از نومیافتگی<sup>۱</sup> (زیستی، شناختی و اجتماعی) قرار می‌گیرد و از دیگر سو با مسائل روانشناختی چندی دست به‌گریبان است. نومیافتگی زیستی که توسط حلقه‌ای هورمونی شامل هیپوتالاموس، غده هیپوفیز، و غدد جنسی تنظیم می‌گردد، خود را به‌صورت تحول سریع و ایجاد ویژگی‌های جنسی اولیه و ثانویه نشان می‌دهد. به لحاظ شناختی، نوجوانی دوران ایجاد تفکر درباره مفاهیم انتزاعی است، به‌گونه‌ای که شکل‌گیری فراشناخت به معنای «فکر کردن درباره فکر کردن» در این دوره حاصل می‌گردد. تفاوت‌های فرهنگی در تعریف نوجوانی مجموعه‌ای دیگر از تغییرات بنیادین در نوجوانی را سبب می‌گردد و تفاوت در تعریف اجتماعی نوجوانی می‌تواند اثرات عمیقی بر تحول در عرصه هویت، استقلال، صمیمیت، تمایلات جنسی، و موفقیت نوجوان داشته باشد (استرنبرگ، ۲۰۱۱).

علاوه بر این، امروزه با دنیایی روبه‌رو هستیم که به هر چیز بدون تغییر، به دیده تردید نگریسته می‌شود. این تغییرات با افزایش توان تکنولوژیک بشر سرعت سرسام‌آوری به خود

گرفته‌اند، به گونه‌ای که بازی‌های یک فرد ۴۰ ساله در دوران نوجوانی‌اش با بازی‌های فرزند ۱۵ ساله او تفاوت فراوان دارد. بر اساس همین تفاوت‌های بین نسلی، با اینکه بزرگترین رویداد نوجوانی، نمویافتگی و مهم‌ترین دستاورد نمویافتگی، دستیابی به هویت است، والدین ایرانی دوره نوجوانی را به رسمیت نمی‌شناسند و ترجیح می‌دهند فرزندشان بدون گذار از نوجوانی و جستجوهای خاص این دوره مستقیماً به مناسبات بزرگسالی (انتخاب رشته، شغل، همسر و...) وارد شود. این طرز فکر، به ظاهر کم‌خطر ولی بسیار آسیب‌زاست. پس ما با وضعیتی روبه‌رو هستیم که در آن علاوه بر تغییرات زیستی و تکالیف تحولی نوجوان، شکاف یا تفاوت نسلی زیادی بین والدین و نوجوانان به وجود آمده و لذا تشنگر<sup>۲</sup> پیش‌بینی‌پذیر نمویافتگی در یک خانواده، تنش زیادی ابتدا به والدین و نوجوان، و سپس به دیگر اعضای خانواده وارد می‌آورد. این موضوع وقتی شکل غامض‌تری به خود می‌گیرد که «رسانه‌ها و دنیای مجازی» را نیز در چیدمان این متغیرها وارد کنیم. امروزه نوجوانان می‌توانند ارتباطی بلاواسطه با هر جایی از جهان داشته باشند و جهان اطراف‌شان نیز همواره در حال تغییر است و از این‌رو کسب هویت برای‌شان بسیار سخت‌تر از نسل‌های قبل شده است.

از آنجاکه در این دوره سنی هویت و شخصیت پایه‌ای افراد شکل می‌گیرد، ارائه کمک حرفه‌ای به والدین در راستای ارتقای سلامت روانی-اجتماعی خانواده امری ضروری می‌نماید. از این‌رو ضرورت دارد نوعی برنامه اقدام گروهی همه‌جانبه، برای مواجهه والدین با نوجوان، به صورتی کاملاً بومی و برخاسته از فرهنگ ایرانی اسلامی استخراج گردد تا والدین تحت مداخله آن قرار گیرند. بدین ترتیب هم ارزش‌های والای وطنی در فرآیند تربیت به نسل بعد منتقل می‌گردد و هم نوجوانان در بستر یک رابطه مفید با والدین خود، نسبت به کسب هویت‌های بیگانه‌ای که همواره از طریق ماهواره و اینترنت تبلیغ می‌شود، در امان خواهند ماند. لازمه این مهم، وجود رابطه صمیمانه بین والد و نوجوان است. نوجوانی سنی نیست که بتوان نوجوان را با امر و نهی‌های دوران کودکی تربیت کرد. تربیت نوجوان در واقع در بستر یک رابطه محترمانه و در عین حال قاطعانه صورت می‌گیرد که هم به استقلال نوجوان کمک می‌کند و هم باعث جدایی او از ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی‌اش نمی‌شود. از این‌رو مسأله اصلی پژوهش حاضر تدوین و ارزیابی یک برنامه اقدام گروهی است که بتواند «رابطه

والد-نوجوان» را ارتقا داده و آن را شکوفا سازد.

دو نظریه عمده به بحث درباره نوجوانی پرداخته‌اند: نظریه تفرد<sup>۳</sup> (یا روی آورد تغییر درون‌زاد) و نظریه دلبستگی. اندیشمندان نظریه تفرد بر این باورند که صمیمیت<sup>۴</sup> در رابطه بین والد و نوجوان تحت تأثیر تلاش‌های نوجوان برای دستیابی به استقلال اجتماعی، شناختی و هیجانی کمتر می‌شود (بلوس، ۱۹۷۹؛ گروتونت و کوپر، ۱۹۸۶؛ باکس و وان ول، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر همزمان با انتقال کودک‌کان به دوره نوجوانی، آنها فرایند تفرد را نیز آغاز می‌کنند. در این روی آورد، تفرد فرآیندی است که در آن فرد در عین حفظ رابطه با والدین‌اش، جدا شدن از آنها به عنوان یک فرد مستقل را نیز آغاز می‌کند (یونس و اسمالر، ۱۹۸۵). دلبستگی به عنوان رابطه دیرپا و متقابل بین نوزاد و مراقب تعریف می‌شود و هریک از آنها در کیفیت این رابطه سهیم‌اند (پاپالیا و همکاران، ۲۰۰۹). نظریه دلبستگی به گرایشی روانشناختی با عنوان «جستجوی صمیمیت با دیگران» اشاره دارد.

دلبستگی از نظر بالبی (۱۹۶۹) دارای چهار مفهوم بنیادین است: «مجاورت جویی»، «اعتراض به جدایی»، «پایگاه امن» و «جان‌پناه». فینی و همکارانش (هنریک و هنریک، ۲۰۰۰) بر این باورند که این چهار مفهوم نه تنها در مورد دلبستگی نوزادان، بلکه برای دلبستگی کودک‌کان، نوجوانان و بزرگسالان نیز صادق است. با این حال دلبستگی در سنین نوجوانی تفاوت‌هایی با دوران کودکی دارد. اصطلاح «جان‌پناه» بدین معناست که نوجوان از والدینش به عنوان منابعی برای حمایت بهره می‌جوید، و «پایگاه امن» یعنی اطمینان به خانواده برای حمایت از نوجوان برای کاوش‌های دنیای بیرون از خانواده. «مجاورت جویی» در رابطه والد-نوجوان به انجام رفتارهای دوستانه، سربه‌سر دیگران گذاشتن، درگیر شدن در فعالیت‌های جمعی، مکالمه‌های هیجانی و خودافشاگرانه اشاره دارد. البته پژوهش‌گران دلبستگی نوجوان بر این باورند که نوجوان‌ها الزماً این «اعتراض به جدایی» را نه به صورتی آشکار بلکه به صورت رفتارهای تخریب‌گرانه در قالب درون‌ریزی یا برون‌ریزی نشان می‌دهند (مارچل، ۲۰۰۴). نوجوان‌ها به والدین‌شان به عنوان پایگاه‌های امنی نیاز دارند تا به پشتوانه آن‌ها به اکتشاف جهان پیرامون بپردازند (کلی، برایان و مونا، ۲۰۱۵).

آموزش والدین به معنای در نظر گرفتن والدین به عنوان عامل تغییر در زندگی فرزندان‌شان و

رفع مشکلات آن‌هاست. دو جریان نظری مهم در شکل‌گیری برنامه‌های آموزش والدین بسیار تأثیرگذار بوده‌اند که عبارتند از روی آورد روان‌تحلیلی و روی آورد خانواده‌درمان‌گری. با این حال یافته‌های پژوهشی درباره اینکه یک مدل آموزش والدین را به‌عنوان تنها یا بهترین مدل معرفی نمایند، با همدیگر توافق نظر ندارند. اسمیت ضمن بررسی تعداد زیادی از برنامه‌های آموزش والدین نتیجه گرفت که می‌توان این برنامه‌ها را در دو طبقه کلی قرارداد: رفتاری و ارتباطی (کلی و همکاران، ۲۰۱۵). آنهایی که زیربنای تئوریک آن‌ها روی آورد رفتاری یا یادگیری اجتماعی باشد، در گروه رفتاری قرار می‌گیرند. در این مدل نقش کودک را چندان فعال در نظر نمی‌گیرد و بر تأثیر عوامل محیطی تأکید می‌شود. بنابراین در آموزش والدین از روش‌های شکل‌دهی، عدم تقویت رفتارهای نامناسب و خاموش‌سازی استفاده می‌شود. طبقه ارتباطی نیز شامل آن دسته از برنامه‌هایی است که زیربنای نظری آن‌ها یکی از چهار روی آورد آدلری، انسان‌گرایی، روان‌پویایی و یا سیستمی باشد. در این مدل‌ها، رفتار نامناسب کودک نتیجه الگوهای نامناسب ارتباطی در خانواده است و بنابراین هدف درمان باید بهبود این الگوها باشد (ریچاردسون و جاگین ۲۰۰۲؛ کونشینا، ۲۰۱۶). گوتیروز (۲۰۰۶) انواع برنامه‌های رایج آموزش والدین و رویکردهای مربوط به آن‌ها را گرد هم آورده و در نهایت نشان داده است که بخش اعظمی از روی آوردها و برنامه‌های آموزش والدین در سنت ارتباطی قرار دارند و بر ارتقای رابطه والد-فرزند تأکید می‌کنند. این پژوهش نیز در همین راستا تلاش دارد با بهره‌گیری از بنیان‌های نظریه دلبستگی و سیستمی تدوین و مطالعه اثربخشی برنامه اقدام گروهی در رابطه والد-نوجوان پردازند.

مطالعات این حوزه در ایران در دو دسته عمده قرار می‌گیرند: آنهایی که سبک والدگری را مدنظر قرار داده‌اند و آنهایی که رابطه والد-نوجوان را موضوع مطالعه خود انتخاب کرده‌اند. محققین این حوزه نشان داده‌اند که رابطه والد-فرزند می‌تواند بر پرخاشگری (عراقی، ۱۳۸۷) اعتیاد (خانزاده، طاهر، سیدنوری، یحیی‌زاده و عیسی‌پور، ۱۳۹۲)، پیشرفت تحصیلی (رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸؛ عبادی و معتمدین، ۱۳۸۶)، توانش‌های فراشناختی و خودمهارگری (رشوانلو و حجازی، ۱۳۸۸) تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. تأثیر رابطه والد-نوجوان بر این طیف گسترده و متنوع از متغیرهای روانشناختی از اهمیت بسیار جدی این سازه روانشناختی حکایت دارد.

مطالعات دیگر در این حوزه به اهمیت نقش دلبستگی ایمن به والدین در هویت‌یابی (باقری، بهرامی و جلالی، ۱۳۸۸)، رابطه دلبستگی مادران با دلبستگی دختران (جهان‌بخش، امیری، مولوی و بهادری، ۱۳۸۹؛ صفایی، بیگدلی و طالع‌پسند، ۱۳۹۰) و نقش دلبستگی به پدر در کاهش مشکلات رفتاری نوجوان (پاکدامن، سیدموسوی، قنبری، ۱۳۹۰) پرداخته‌اند. این مطالعات بر تأثیر دلبستگی والدین بر دلبستگی فرزندان تأکید کرده‌اند، اما توجه به نتایج این پژوهش‌ها حاکی از این است که در جمعیت‌های مورد مطالعه دلبستگی والدین رابطه نسبتاً ضعیفی با دلبستگی فرزندان دارد. این بدان معناست که اگر در رابطه والد-کودک یا والد-نوجوان مداخله‌ای جدی صورت گیرد، می‌توان تأثیر منفی دلبستگی نایمن والدین بر دلبستگی فرزندان را تا حد زیادی اصلاح کرد.

پژوهش‌های دیگر در این حوزه به سبک والدگری والدین و تأثیر آن بر احساس تنهایی (خوئی‌نژاد، رجایی و محبراد، ۱۳۸۶)، پرخاشگری نوجوانان (آهنگر انزایی، درآمدی و فرج‌زاده، ۱۳۹۰)، اعتیاد (گنجی، رهنمای نمین و شریفی، ۱۳۹۳؛ سیفی، صفاری‌نیا و کلانتری، ۱۳۹۲)، مصرف سیگار (کاظمی و عریضی، ۱۳۸۷)، رفتار ضداجتماعی (سهرابی و حسنی، ۱۳۸۶)، گرایش به بزهکاری (شکریگی، یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۱)، و موفقیت تحصیلی (امین‌آبادی، خداپناهی، ۱۳۹۰) نوجوان پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً بر اینکه در رابطه والد-نوجوان بایستی گرمی و حمایتگری در کنار کنترل والدینی با هم اعمال شود، تأکید دارند.

همه این مطالعات کار مداخلاتی خود را بر روی نوجوانان و به‌صورت گروهی اجرا کرده‌اند. این مطالعات در واقع بر رابطه والد-نوجوان تأکید کرده‌اند و برای بهبود این رابطه دوتایی وجه نوجوان را مورد مداخله قرار داده‌اند. نتایج این مداخلات حاکی از تغییرپذیر بودن رابطه والد-نوجوان است. این پژوهش‌ها، همگی از میان دوتایی والد-نوجوان، وجه نوجوان را موضوع مداخله قرار داده و بر روی آنها کار مداخلاتی انجام داده‌اند. این در حالی است که از یکسو والدین در ساختار خانواده از قدرت اثرگذاری بیشتری برخوردارند و از دیگرسو نوجوانی دوره عدم ثبات است و نمی‌توان انتظار داشت مداخله بر روی آنها تأثیر بادوامی داشته باشد. در نتیجه هدف از اجرای این پژوهش تدوین و تعیین اثربخشی یک برنامه اقدام گروهی به‌منظور ارتقای رابطه والد-نوجوان بود. در این راستا فرضیه اصلی چنین قابل طرح است: «برنامه

اقدام‌های والد-نوجوان، رابطه والد-نوجوان را ارتقا می‌دهد»

براین اساس، در این پژوهش ابتدا به مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ نفر از والدین نوجوان پرداخته شد. سپس از تم‌های استخراج شده از این مصاحبه درباره رابطه والد-نوجوان، در تلفیق با مباحث نظری رابطه والد-نوجوان، برنامه‌ی مداخلاتی در قالب ۹ جلسه یک‌و نیم ساعته، استخراج گردید. هر جلسه در یک هفته به اجرا درآمد و تا هفته بعد نیز از والدین خواسته شد تکالیف و تمریناتی را انجام دهند. در نتیجه می‌توان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش را به صورت زیر تعریف کرد:

متغیر مستقل: برنامه اقدام‌های ارتقای رابطه والد-نوجوان در قالب ۹ جلسه ۱/۵ ساعته، به همراه تکالیف بین جلسات

متغیر وابسته: نمره فرد در مقیاس رابطه والد-نوجوان (PARS)

## روش

**جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش:** جامعه آماری شامل والدین نوجوانان منطقه شش شهر تهران است که از میان آن‌ها یک مدرسه به صورت غیرتصادفی انتخاب شد و از والدینی که مایل به شرکت در طرح بودند، دعوت به عمل آمد. در نهایت ۳۵ والد ابراز آمادگی کردند که از میان ۱۸ نفر در گروه آزمایش و ۱۷ نفر نیز در گروه گواه قرار گرفتند. با این حال از گروه آزمایش ۱۳ نفر و از گروه گواه ۱۴ نفر تا انتهای پژوهش باقی ماندند که در نتیجه ۲۵ نفر وارد تحلیل آماری شدند. لازم به توضیح است که پژوهش طی مراحل شش گانه زیر به انجام رسید:

۱. نمونه‌گیری غیرتصادفی و تعیین شرکت‌کنندگان در آزمایش
۲. گمارش تصادفی افراد در گروه‌های گواه و آزمایش
۳. اجرای پیش‌آزمون
۴. اجرای برنامه اقدام‌های گروهی در ۹ جلسه ۱/۵ ساعته
۵. اجرای پس‌آزمون
۶. اجرای تحلیل‌های آماری (آزمون t)



### ابزار پژوهش:

در این پژوهش از «مقیاس رابطه والد-نوجوان» (PARS) به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. این مقیاس ۲۱ آیتمی توسط حسینی، ذاکر، پورحسین و کراسکیان (۲۰۱۶) ساخته شده و آلفای کرونباخ آن ۰/۸۶ به دست آمده و درستی آزمایی مقیاس مورد نظر نیز با توجه به بهره‌گیری حسینی و همکاران (۲۰۱۶) از درستی آزمایی صوری، سازه، همگرا و واگرا، قابل قبول گزارش شده است.

برای تحلیل داده‌ها نیز تنها داده‌های والدینی وارد تحلیل شد، که از یکسو هم در پیش‌آزمون و هم در پس‌آزمون شرکت کرده بودند، و از دیگر سو دست کم در ۶ جلسه از جلسات نه‌گانه حضور فعالانه‌ای داشتند.

### داده‌ها و یافته‌ها

فرضیه اصلی پژوهش: برنامه اقدام‌های گروهی به عنوان متغیر مستقل منجر به بهبود نمره مقیاس رابطه والد-نوجوان می‌گردد. طرح تمام آزمایشی اجرا شده در این پژوهش در شکل زیر قابل رؤیت است.

Experiment Group:	$T_{1E}$	X	$T_{2E}$	$d_E = T_{2E} - T_{1E}$
Control Group:	$T_{1C}$	--	$T_{2C}$	$d_C = T_{2C} - T_{1C}$

بر اساس طرح فوق برای آزمودن فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر تأثیر متغیر مستقل (برنامه اقدام‌های گروهی) بر متغیر وابسته (رابطه والد-نوجوان) بایستی مقایسه‌های زیر صورت گیرد. (۱) مقایسه پیش‌آزمون در گروه گواه ( $T_{1C}$ ) و گروه آزمایش ( $T_{1E}$ ) برای درک اینکه این دو گروه از نظر متغیر وابسته با همدیگر تفاوت معناداری دارند یا نه.

برای این کار از آزمون t مستقل استفاده شد و نتایج نشان داد که تفاوت نمره میانگین رابطه والد-نوجوان در گروه گواه و آزمایش، پیش از آغاز طرح به لحاظ آماری معنادار نیست ( $t=0/56$ ,  $p > 0/05$ ). لذا می‌توان استنباط کرد که دو گروه آزمایش و گواه پیش از مداخله، از نظر «رابطه والد-نوجوان» تفاوت معناداری با همدیگر نداشته‌اند.

۲) مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه‌های گواه ( $T_{2C}$  و  $T_{1C}$ ) و آزمایش ( $T_{2E}$  و  $T_{1E}$ )، برای فهم تفاوت‌های درون‌گروهی.

برای این منظور از آزمون  $t$  وابسته برای هریک از گروه‌های گواه ( $t = -1.8/0.3$ ,  $p > 0.05$ ) و آزمایش ( $t = -1/2.8$ ,  $p < 0.01$ ) بهره جستیم. یافته‌ها حاکی از این است که میانگین نمرات حاصل از مقیاس رابطه والد-نوجوان در گروه آزمایش پیش و پس از اجرای برنامه اقدام‌های گروهی باهمدیگر متفاوت است، در حالی که نمرات حاصل از این مقیاس ناشی از دو بار اندازه‌گیری در گروه گواه، بدون اجرای برنامه اقدام‌های گروهی، تفاوتی معناداری باهمدیگر ندارد.

۳) مقایسه تفاضل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش ( $d_E$ ) و گواه ( $d_C$ ) برای این منظور از آزمون  $t$  مستقل بهره بردیم. براساس این یافته‌ها ( $t = 3/2.1$ ,  $p < 0.01$ ) شاهد این هستیم که تفاوت این دو تفاضل به لحاظ آماری معنادار است. با توجه مراحل سه‌گانه مطرح شده در اینجا می‌توان در نهایت استنباط کرد که تفاوت ایجادشده بین گروه تفاضل‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و گواه از تأثیر متغیر مستقل (برنامه اقدام‌های گروهی) به‌دست آمده است. در نتیجه فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه «برنامه اقدام‌های گروهی به‌عنوان متغیر مستقل منجر به بهبود نمره افراد در مقیاس رابطه والد-نوجوان می‌گردد»، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

## بحث و نتیجه‌گیری

کنترل‌کننده بودن والدین بدون رابطه گرم و صمیمی، سبک والدگری را به سمت مستبد و زورگو بودن می‌کشاند. سن نوجوانی سن هویت‌یابی است و این تقریباً توسط تمامی نظریات روانشناسی تحولی مورد تأیید قرار گرفته. فرآیند هویت‌یابی به‌گونه‌ای است که نوجوان تلاش می‌کند خود را با برخی از «خودی»ها همانند سازد و از برخی از «دیگری»ها مبرا سازد. اگر والدین سبکی زورگویانه و مستبدانه بدون نزدیکی و حمایت عاطفی به کار گیرند، فرزندان در این برهه حساس در فرآیند هویت‌یابی والدین خود را به‌عنوان «دیگری» تجسم می‌کنند و از این‌رو در این فرآیند به تدریج نوعی مقاومت در مقابل صاحبان قدرت (در اینجا یعنی والدین)

درشان شکل می‌گیرد. این موضوع سبب دور شدن فرزندان از خانواده‌ای می‌شود که بر اساس نظریات عمده دلبستگی بایستی در این دوران به‌عنوان پایگاه امنی برای اکتشاف جهان پیرامون توسط نوجوان مورد استفاده قرار گیرد. این وضعیت می‌تواند آنقدر حاد شود که آسیب‌های روانی و اجتماعی برای نوجوان به‌دنبال داشته باشد، آنچنان‌که در مقالات فوق به آن‌ها اشاره شده است (جوونگ‌آ، سان‌هی، ۲۰۱۶).

پژوهش حاضر با هدف تدوین و ارزیابی برنامه اقدام‌های گروهی به‌منظور ارتقای «رابطه والد-نوجوان» اجرا شد. یافته‌های این تحقیق حاکی از تفاوت معناداری بین گروه و آزمایش بوده و براساس آنچه در بخش قبل گفته شد، این تفاوت ناشی از برنامه اقدام‌های گروهی یادشده به‌عنوان متغیر مستقل بوده است. یکی از نتایج جالب این پژوهش این است که تفاوت بین گروه‌ها به میزان قابل توجهی هم به لحاظ آماری و هم به لحاظ بالینی معنادار هستند. این پدیده می‌تواند ناشی از آن دانسته شود که پژوهش حاضر کار خود را از میدان آغاز کرده و از ابتدا به نیازسنجی دست زده است. درواقع پژوهش حاضر در کنار مطالعه دقیق مبانی نظری و پیشینه پژوهشی، با ۱۱ تن از والدین نیز مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته انجام داده است که مقوله‌بندی موارد مطرح شده توسط والدین نیز در تدوین برنامه اقدام‌های گروهی به‌کار رفته است. نیازسنجی‌ها اولین گام در تحقیقات کاربردی است که قصد دارند مشکلات مربوط به یک مکان خاص جغرافیایی و یک زمان خاص تاریخی را مورد توجه قرار دهند. این پژوهش نیز از ابتدا کار خود را با مصاحبه با والدین آغاز کرد و همواره تلاش داشت میدان پژوهشی را از نظر دور ندارد. با این حال پژوهش‌های این‌چنینی بیش از همه نیازمند تکرار هستند. درواقع می‌توان پیشنهاد کرد در حالتی ایده‌آل مرکزی پژوهشی، ویژه دوره نوجوانی تأسیس شود و هر ساله تعداد زیادی از تحقیقاتی از این دست را سامان دهد تا بتواند به‌درستی توسط سیاست‌گزاران و مسئولین امر مورد استفاده قرار گیرد.

### پی‌نوشت‌ها:

1- Maturation  
3- Individuation

2- Stressor  
4- Closeness

## منابع و مأخذ فارسی:

- آهنگر انزابی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز؛ فرج‌زاده، رباب. (۱۳۸۳). تأثیر بازسازی خانواده در کیفیت رابطه مادر-دختر. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۲، ۴۰-۲۵.
- امین‌آبادی، زهرا؛ خداپناهی، محمدکریم؛ دهقانی، محسن. (۱۳۹۰). نقش میانجی تنظیم هیجان شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک‌های والدگری و موفقیت تحصیلی آنها. *علوم رفتاری*، ۱۶، ۱۱۸-۱۰۹.
- باقری، خدیجه؛ بهرامی، هادی؛ جلالی، محمدرضا. (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نوع هویت در زندانیان ۱۵-۳۰ ساله. *فصلنامه روانشناسی کاربردی - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی*، ۱۱، ۹۹-۸۵.
- پاکدامن، شهلا؛ سیدموسوی، پریرسا؛ قنبری، سعید. (۱۳۹۰). کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری-هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران. *روانشناسی کاربردی*، ۱۷، ۱۰۰-۸۵.
- جهان‌بخش، مرضیه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین؛ بهادری، محمدحسین. (۱۳۸۹). رابطه مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی مادران. *فصلنامه روانشناسی بالینی*، ۳، ۲۴-۱۵.
- خانزاده، عباس‌علی؛ طاهر، محبوبه؛ سیدنوری، زهرا؛ یحیی‌زاده، آیدا؛ عیسی‌پور، مهدی (۱۳۹۲). رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. *اعتیاد پژوهی*، ۲۸، ۷۴-۵۹.
- خویی‌نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا؛ محبراد، تکتم. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۳۴، ۹۲-۷۵.
- رشوانلو، فرهاد؛ حجازی، الهه. (۱۳۸۸). ارتباط ادراک از سبک والدگری والدین با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *دانشور رفتار*، ۳۹، ۱۴-۱.
- سیفی گندمانی، محمدیاسین؛ صفاری نیا، مجید؛ کلانتری میدی، سارا. (۱۳۹۲). سنخ‌شناسی والدگری خانواده (ترکیب سبک فرزند پروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر گرایش به موادمخدر در نوجوانان پسر. *اعتیاد پژوهی، سال هفتم، شماره ۱*، ۲۴-۱۱.

سهرابی، فرامرز؛ حسنی، اعظم. (۱۳۸۶). شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی

دختران نوجوان. *روانشناسی*، ۴۱، ۷۵-۸۸.

شکریبگی، علیرضا؛ یاسمی‌نژاد، پریسا. (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های والدگری خانواده، حرمت

خود و سلامت عمومی نوجوانان پسر بزهکار و عادی در کرمانشاه. *مشاوره و روان*

*درمانگری خانواده*، ۵، ۱۹۲-۱۷۸.

صفایی، صدیقه؛ بیگدلی، ایمان‌اله؛ طالع پسند، سیاوش. (۱۳۹۰). رابطه خودپنداشت مادر با

سبک دلبستگی و خودپنداشت فرزند. *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، دوره

۱، شماره ۲، ۳۹-۵۲.

عبادی، غلامحسین؛ معتمدین، مختار. (۱۳۸۶). بررسی رابطه ولی-فرزندی، ابراز وجود و

عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر تبریز. *پژوهش‌های مشاوره*،

شماره ۲۳، ص ۹۷-۱۱۶.

عراقی، یحیی. (۱۳۸۷). بررسی کیفیت رابطه والد - فرزندی در دو گروه از دانش‌آموزان پسر

پرخاشگر و غیر پرخاشگر. *مطالعات روانشناختی*، دوره ۴، شماره ۴، ۱۲۹-۱۱۳.

غلام‌علی لواسانی، مسعود؛ کیوانزاده، محمد؛ کیوانزاده، هدیه. (۱۳۸۶). رابطه ویژگی‌های

فردی، تحصیلی و خانوادگی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران،

*روانشناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)*، ۷۴، ۱۲۴-۹۹.

کاظمی، اشرف؛ عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک والدینی مادر با الگوی

مصرف سیگار در دانش‌آموزان. *سال دوازدهم*، شماره ۱، ۱۱۸-۱۰۴.

گنجی، حمزه؛ رهنمای‌نمین، مریم؛ شریفی، حسن پاشا. (۱۳۹۳). پیش‌بینی گرایش نوجوانان به

اعتیاد براساس ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های والدگری به‌منظور ارائه مدلی برای

پیشگیری. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۳۳، ۴۷-۵۶.

## منابع و مآخذ خارجی:

Blos, P. (1979). *The adolescent passage: Developmental issues*. New York: International Universities Press.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic.

- Bucx, F. & Van Wel, F. (2008). Parental bond and life course transitions from adolescent to young adulthood, *Adolescence*, 43 (169), 71-88.
- Claes, M. (1998). Adolescents' closeness with parents, siblings, and friends in three countries: Canada, Belgium and Italy. *Journal of Youth and Adolescence*, 27(2), 165-184.
- Grotevant, H. & Cooper, C. (1986). Individuation in family relationships: A perspective on individual differences in the development of identity and role-taking skills in adolescence. *Human Development*, 29, 82-100.
- Gutierrez, D.G. (2006). A comparison of two parent education programs on the reduction of parent-child stress in mother - child relation of Hispanic migrant frame workers. The University of Arizona. Handbook of parent training. Third edition.
- Hendrick, C., & Hendrick, S.S. (2000). (Eds.), *Close relationships: A source book*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Husseni, S.F., Zakir, B.S., Pourhossein, R., Karaskian, A. (2016). Development and Validation of Parent-Adolescent Relationship (PARS), *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol 7, No5.
- Kelly, M. Tu., Brian, T.M., Mona, E.S. (2015). Sleep and mental health: the moderating role of perceived adolescent-parent attachment, *Sleep Health*, Available online 9 January 2015.
- Konishina, T. (2016). Parental Involvement in the Vocational Self-determination of Adolescents with Different Types of Attachment to Mother, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 233, Pages 397-402, Fifth Annual International Conference "Early Childhood Care and Education", 12-14 May 2016, Moscow, Russia
- Marchel, M.A., (2004). *Attachment theory: Parent-child relationship revisited*. Retrieved July 28, 2008 from <http://cehd.umn.edu/ceed/publications/earlyreport/spring96.htm>.
- Papalia, D.E., Olds, S.W., & Feldman, R.D. (2009). *Human development*. (11th ed.) Boston: McGraw-Hill.
- Richardson, J. & Joughin C. (2002). *parent-training programmes for the management of young children with conduct disorders*. Printed in Great Britain by Cromwell pres ltd, trowbridge, UK.
- Steinberg, L. (2011) *Adolescence*, Nine Edition, The McGraw.Hill Companies
- Youniss, J., & Smoller, J. (1985). *Adolescent relations with mothers, fathers, and friends*. Chicago: University of Chigaco Press.